

## ایران شناسی در داغستان: ریشه ها، وضعیت امروز، چشم انداز

ایران شناسی در داغستان یک مسأله تازه و در حال شکل گیری می باشد. ریشه های ایران شناسی در داغستان را باید در تاریخ روابط فرهنگی و ادب و زبان فارسی در داغستان جست.

سرویس داغستان/خبرگزاری آران

**نویسنده: نوری ممدزاده**

استاد زبان فارسی دانشگاه دولتی داغستان

مقدمه:

ایران شناسی در داغستان یک مسأله تازه و در حال شکل گیری می باشد. ریشه های ایران شناسی در داغستان را باید در تاریخ روابط فرهنگی و ادب و زبان فارسی در داغستان جست و برنامه های توسعه رشته ایران شناسی را باید در چارچوب بررسی این روابط تنظیم گردد. با توجه به این مسأله مقاله اینجانب به چهار بخش تقسیم شده است:

(1) نگاهی به تاریخ روابط فرهنگی و به خصوص تاریخ ادبیات فارسی در داغستان.

(2) ایران شناسان داغستانی تا زمان فروپاشی شوروی.

(3) ایران شناسی در داغستان بعد از فروپاشی شوروی.

(4) چشم انداز گسترش ایران شناسی در داغستان.

بخش اول

نگاهی به تاریخ روابط فرهنگی و به خصوص تاریخ ادبیات فارسی در داغستان:

روابط داغستان با ایران زمین را می توان از زمان دولت ماد مشاهده کرد، زیرا در آن زمان داغستان جزء آلبانیای قفقاز به شمار می آمد و به قول تاریخشناس معروف روسی دیاکونوف، ما باید روابط آلبانیای قفقاز با دولت ماد را روابط بسیار نزدیکی تصور کنیم. از این زمان می توان در باره روابط فرهنگی بین مردمان داغستان و ایران صحبت کرد. و یکی از دلایل آن این است که بین مادها و اقوام سواحل شمالی دریای خزر در هزاره اول قبل از میلاد روابط تجاری برقرار بوده و ما می دانیم که روابط تجاری معمولاً همراه با روابط فرهنگی می باشد.

با این همه تاریخ زبان و ادبیات فارسی در داغستان از دوران دولت ساسانی شروع می شود. پیوستن آلبانیای قفقاز به ایران در زمان حکومت شاپور اول (241-272 ق.م.) صورت گرفت. ولی اولین اطلاعاتی که بر روابط اقوام داغستان با ایران زمان دولت ساسانی دلالت می کند، اطلاعات راجع به شرکت داغستانی هادر لشکرکشی های شاهان سلسله ساسانی و به ویژه شاپور دوم می باشد.

برای نفوذ بیشتر در منطقه داغستان ایرانیان شروع به تبلیغ و گسترش دین زرتشتی خود کردند. و به نظر می رسد که این مسئله آغاز پیدایش کتب و هر نوع دیگری از آثار ادبی مذهب ساسانی ها و گسترش زبان پهلوی می باشد که این دو امر لازمه تبلیغ دین هستند. ایرانیان در داغستان استحکاماتی را ساختند و یکی از آنها شهر دربند می باشد. ساخت این شهر را می توان به دوران حکومت شاپور

مرتبط ساخت ولی حتی اگر ساختن دیوار معروف دربند را شاپور آغاز نکرد دست کم ساخت آن نتیجه کوشش های وی می باشد. بیشترین نفوذ ایرانیان در این شهر بود که نام آن خود گواه بر این امر است. بعد از ساخت این دیوار مهاجرت مردم ایران به این شهر شروع شد. طبق اطلاعات اثر معروف دربندنامه، از مناطق داخل ایران به دربند سه هزار خانوار منتقل شده بودند و بر اساس اثر

مکتوب آختی نامه، انوشیروان 60 خانوار از مردم فارس و 300 نفر سپاهی به قلعه ای در نزدیکی روستای آختی منتقل ساخت. تمامی این موارد گواه بر پیدایش و گسترش زبان و ادبیات ایران در داغستان می باشد که نمونه بارز آن کتیبه هایی است به زبان پهلوی که در شهر دربند به جای مانده است. قبلاً 25 کتیبه کوچک به خط پهلوی متصل در باروی شهر دربند معروف بوده اند. ولی بر اساس کشف و بررسی های اخیر که در این شهر صورت گرفته اند، باستانشناسان شش کتیبه جدید به فارسی میانه را در آنجا کشف کردند. تمام این سی و یک کتیبه شامل نام های خاص سنگتراشان یا کسانی می باشند که در کشیدن دیوار سهمی داشته اند و یا اینکه نام و عنوان آمارگر را دربردارند.

بعد از سقوط دولت ساسانی و حمله اعراب و به خصوص بعد از آمدن آنان به داغستان (اولین گردانهای سپاه اعراب در سال 22 ه.ق. به در بند آمده بودند) روابط ایران و داغستان کاهش یافت.

بعد از گسترش دین مبین اسلام در داغستان زبان عربی جایگاه اول را احراز نمود و زبان اصلی تمام مناسبات تجاری، سیاسی، فرهنگی و ادبی شد. ولی در اواخر قرن 11 و اوایل قرن 12 میلادی و به خصوص بعد از قرن 16 میلادی، زبان فارسی دری در زندگی روزمره و فرهنگ، ادبیات و حتی مکاتبات سیاسی و تجاری جایگاه خاصی را به خود اختصاص داد.

کتاب های فارسی از استقبال زیادی را در داغستان برخوردارند و شاهد این مدعا، شرح و یادآوری هایی در باره کتابخانه های شخصی، مجموعه های کتب مساجد و نسخه های خطی انستیتوی تاریخ، باستانشناسی و نژادشناسی مرکز علوم داغستان وابسته به فرهنگستان علوم فدراسیون روسیه است. به ندرت کتابخانه یی پیدا می شد که در مجموعه کتاب های آن دیوان های شعر زیبای حافظ، سعدی، نظامی، فردوسی، جامی، فضولی، مولوی و غیره نباشد. در باره عشق و علاقه زیاد مردم داغستان به شعر فارسی، داستان معروف نظامی گنجوی و فرمانروای دربند دلیل واضحی بر این مورد می باشد. فرمانروای دربند بعد از خواندن مخزن الاسرار نظامی با وجودی که شعر به او اتحاف نشده بود مع ذلک با اهدای کنیزی قیچاقی به نام آفاق به وی از کارش تحسین کرد و نظامی چنان مفتون زیبایی آفاق گردید که در سال 569 ه. ق. وی را به عقد نکاح خویش در آورد. او منظومه خسرو و شیرین را در دوران عشق همین زن سرود.

همان طور که اشاره شد، زبان فارسی زبان مکاتبات و آموزش گردید. مکاتبات شخصی و اداری یکی از حکام بزرگ داغستان امه خان آواری (1744-1801 م.) بنا بر این مطلب می باشد، از این خان 160 نامه به زبان فارسی نگارش شده است. همچنین فرمان شاه پهماسب اول (1524-1576 م.) در باره معاف شدن چند منطقه جنوب داغستان از پرداخت برخی مالیات ها به منظور جذب صوفیان

آن دیار نیز از جمله این مکاتبات می باشد. علاوه بر این زبان فارسی را در مدارس سنتی و دینی داغستان نیز تدریس می کردند. روابط ایران و داغستان و زبان فارسی چنان گسترش وسیعی پیدا کرد که مردم داغستان نیاز به فرهنگ هایی از فارسی به زبان های خود احساس کردند. اولین فرهنگی که در آن لغات فارسی با ترجمه به یکی از زبان های داغستان ارایه شده، فرهنگی به نام فصل فی

جمع التصاریف للفظ الواحد و مؤلف این فرهنگ محمد شفیع دبیر قاضی آواری عالم، فرهنگ نویس، ادیب و مترجم نامدار داغستان (1742-1817م.) می باشد. این فرهنگ در واقع فرهنگ ترکی با ترجمه به زبان های فارسی، عربی و آواری است. همین طور در سال 1196 ه.ق. وی فرهنگ عربی-فارسی-ترکی-آواری را تألیف نمود. دبیر قاضی آواری در تألیف فرهنگ های خود از منابعی مانند تفاسیر فی لغة الفرس تألیف قطران ابو منصور ارموی، صحح فرس تألیف هندوشاه نخچوانی، مجمع الفرس تألیف محمد سروری کاشانی و غیره استفاده کرده بود. محمد شفیع آواری همچنین کلیل و دمنه را از عربی و اشعار فارسی را به آواری ترجمه کرده و گزیده اشعار گلستان سعدی را با معانی و شرح به عربی و فارسی برای دانش آموزان تألیف نمود. تمامی این موارد بیانگر استقبال مردم داغستان از زبان و ادبیات فارسی می باشد. و به تدریج تأثیر فرهنگ، ادبیات و زبان فارسی چندان افزایش یافت که خود داغستانی ها شروع به تألیف و نوشتن اثری به زبان شیرین فارسی نمودند. از نظر نگارنده شعراء، نویسندگان و علمایی که برای بیان تفکر و عقیده خود زبان فارسی را انتخاب کرده بودند، می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

1) فرهیختگان داغستان که متأسفانه آثار آنها به دلائل مختلف تاریخی از بین رفته و فقط در کتب و تذکره ها اشاره ای به آنها شده است. از جمله آنها، میرزا علی الآختی (1771-1858م.) می باشد که شعر فارسی می سرود، سید میر تقی کاشانی که شاعر ایرانی و مؤلف دیوان عندلیب، میرزا بیک الشعاعی که با زبان فارسی آشنایی کامل داشت و آثار و اشعار زیاد خود را به این زبان نوشته بود. 2) مؤلفینی که هیچ اطلاعی از زندگی آنها در دست نیست ولی در نسخه های مجموعه های منتخب اشعار فارسی، عربی و ترکی و نیز در تذکره های مختلف که در مراکز پژوهشی و غیره نگهداری می گردند، ابیات و اشعاری از آنان به فارسی موجود است. به عنوان نمونه غزل شاعر گمنام داغستانی - دربندی در لر می باشد که در انستیتوی نسخ خطی اکادمی علوم جمهوری آذربایجان نگهداری می شود. 3) مهاجران ایرانی که به خاطر اوضاع سخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران آن زمان به این منطقه دارای مردمان آزادی خواه پناه بردند. از سال 1891م. تا سال 1905م. در قفقاز بین 15 تا 62 هزار اسامی از مهاجران ایرانی ثبت شده است. از جمله این بزرگان عبد الرحیم طالبوف بوده که در اواخر دهه شصت قرن 19 میلادی به داغستان مهاجرت نمود. 4) شعراء، نویسندگان، علما و روشنفکران داغستان که شرح حال و همچنین اثری از آنها به زبان فارسی به جای مانده است. از جمله آنان می توان به ابوسفیان آقاف، قمری دربندی و القدری اشاره نمود، که ذکر مختصری از احوال و آثار آنها در اینجا ضروری به نظر می رسد.

میرزا محمد تقی قمری گلزار دربندی (1235-1309 ه.ق.) شاعر و مرثیه سرای داغستانی. قمری در شهر دربند متولد گردید. علوم دینی و همچنین زبانهای فارسی و عربی را در زادگاهش فرا گرفت و در آنها تسلط کامل یافت و آشنایی کمی با زبان روسی داشت. قمری جوانی خود را در عیش و خوش گذرانی و غفلت گذراند، چنانچه خودش می گوید "عمر خود را صرف وصف خط و خال ابروی هلال زیبارویان نمود که یک دفعه عقل ممتاز به خطاب درآمد". وی از بزرگترین کاتب های دربند بود. از سی سالگی به روضه خوانی و مقتل نویسی پرداخت و کتاب کنز المصائب را به نظم در آورد که این کتاب بارها و بارها در تبریز چاپ شد. قمری بجز کنز المصائب اشعار دیگری هم داشت. در سن پنجاه سالگی آن اشعار را به کنز المصائب افزوده می کند و این اثر را دیوان کامل قمری می نامد که در بردارنده اشعار ترکی و فارسی او است که با تصحیح آقا بن عابد در باکو به سال (1285 ه.ق.) و تهران سال (1372 ه.ش.) به چاپ رسیده است. اثر سوم و ناشناخته قمری دربندی دیوان کنز المعارف هست که بعد از وفات شاعر به دست فرزند او تحریر و تکمیل شده است و نسخه خطی آن در انستیتوی نسخ خطی باکو نگهداری می شود. این اثر قمری شامل 188 صفحه شعر فارسی می باشد. شعر قمری بیشتر در بردارنده مدایح و مرثیاتی است (ع) و به خصوص امام حسین (ع) و یارانش می باشد، ولی شعرهای عارفانه و ساقی نامه ها نیز در شعرش به چشم می خورند. قالب شعرهای وی بیشتر قصیده و غزل می باشد، ولی در شعر فارسی وی رباعیات هم وجود دارد. در شعر مرثیه خود در عزای امام حسین (ع) و یاران و اهل بیتش از روضه الشهدای کاشفی به عنوان سند تاریخی و از حبیقة السعدای فضولی (چنان که خودش از مکتب فضولی پیروی می کرد) بهره جسته است. شعر خواجه کرمانی، منوچهری و محتشم کاشانی بر شعر فارسی قمری تأثیر گذاشته است. میرزا محمد تقی قمری گلزار دربندی تنها شاعر ماهر داغستانی می باشد که هم اشعار زیاد از وی به زبان فارسی و هم اطلاعاتی هر چند محدود از زندگی وی به جای مانده است.

میرزا حسن فرزند عبد الله القدری (1834-1910م.) تاریخ نگار و شاعر داغستانی. در روستای القدار به دنیا آمد. او از نوادگان شیخ شامیل بود. وی زبانهای ترکی، فارسی، عربی و روسی را در سطح عالی می دانست. با اکثر روشنفکران داغستانی، آذربایجانی و ایرانی مقیم داغستان دوست بود و با آنها مکاتبه داشت. در 1877م. به سبب شرکت در شورش علیه نظام تزاری روسیه دستگیر، زندانی و سپس تبعید شد. او آثار زیادی داشت از جمله دیوان الممنون و آثار داغستان. بعضی از شعرهای فارسی به جای مانده است از وی دارای کنایات و استعاره های زیبا می باشند. در پایان این بخش مقاله نگاه کلی به تعداد کلمات دخیل ایرانی در زبانهای داغستانی می گردد. تمامی موارد فوق الذکر، دلیلی بر دخول کلمات فارسی میانه و دری در زبانهای داغستانی می باشند. مثلاً کلمات ایرانی که وارد زبان لرگی شدند بدون احتساب اسامی خاص، 554 واژه می باشند. کلمات ایرانی که وارد زبان لاکه شده اند شامل حدود 350 واژگان هستند. بیشتر از همه کلمات ایرانی وارد زبان اودینی شدند که حدود 1200 واحد زبانی را تشکیل می شوند. کمتر از همه زبانهای داغستان، زبانهای ایرانی بر زبان آواری تأثیر گذاشتند، در زبان آواری حدود 160 واژه ایرانی وجود دارد. با در نظر داشتن تمام موارد مذکور مشخص می شود که روابط داغستان با ایران و ادبیات فارسی در داغستان ریشه های عمیق تاریخی دارد، اما متأسفانه این امر ناشناخته می باشد. و همین روابط سبب شده تا داغستانی ها بیشتر در رشته ایران شناسی بکوشند.

بخش دوم  
ایران شناسان داغستانی تا زمان فروپاشی شوروی:  
تا فروپاشی شوروی ما در داغستان هیچ مرکز یا مؤسسه ای علمی پژوهشی که در آنها رشته های ایران شناسی تدریس شود، مشاهده نمی کنیم. علاقه مندان به پژوهش های ایران شناسی از داغستان ناچار به ترک زادگاه خویش در طلب علم بودند. اولین و بارزترین نمونه آنان میرزا محمد علی کاظم بیک می باشد. پروفیسور کاظم بیک شخصیت بزرگ و پیشرو افکار دانشگاهی روسیه قرن 18 میلادی بود. قاسم پدر کاظم بیک شیخ الاسلام دربند بود. در سفر خود به اماكن مقدس اسلامی وی با دختر میر باقر

خان فرماندار رشت ازدواج کرد که از این ازدواج در 22 ژوئن سال 1802 میلادی میرزا محمد علی کاظم بیگ در شهر رشت چشم به دنیا گشود. در سن 9 سالگی کاظم بیگ به همراه مادرش پیش پدر به دربند آمده بود. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش فرا گرفت، و سپس از استادان پر آوازه آن شهر فلسفه اسلامی، بلاغت، منطق، احکام دین را آموخت. وی به زبان های آذری، عربی، فارسی و ترکی تسلط کاملی داشت و در 18 سالگی اشعاری به فارسی در لغو و معما می سرود. کاظم بیگ پس از دستگیری پدر در سال 1820 و تبعید آن به سیبری در پی وی به آستراخان رفت. در آن شهر از آوازه گره های پروتستان اسکاتلندی زبان های اروپایی آموخت و به آنها زبانهای شرقی را یاد داد. مبلغان با سو استفاده از جوانی و بی تجربگی کاظم بیگ وی را به دین خود در آوردند. کاظم بیگ در آستراخان زبان های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و تا حدی عبری آموخت. در سال 1824 از وی برای ارتقاء سطح علمی خود در انگلستان دعوت به عمل آمد. ولی طبق دستور فرماندار قفقاز وی را به سیبری تبعید کردند. در راه وی مریض شد و در شهر قازان او را پیاده کردند. کاظم بیگ در منزل فوکس پروفسور دانشگاه قازان سکونت یافت. از اکتبر 1826 وی با پیشنهاد اساتید دانشگاه قازان در این دانشگاه بلاغت شرق را تدریس می کرد. کاظم بیگ در آغاز کار خود، روسی را بلد نبود ولی به سرعت این زبان را آموخت و نه فقط به این زبان درس می داد بلکه شروع به ترجمه گلستان سعدی به زبان روسی نمود که این کار را در سال 1829 با موفقیت به پایان رساند. تعلیمات عمیق وی سبب شد تا کاظم بیگ در سال 1835 عضو وابسته آکادمی علوم روسیه گردید. در سال 1849 وی با دعوت دانشگاه پترزبورگ قازان را به مقصد پترزبورگ ترک کرد. در سال 1851 کاظم بیگ عضو انجمن جغرافیای روسیه شد و در همان سال اثر اصولی خود را در باره تاریخ دربند با عنوان در بندنامه و به زبان فارسی آماده چاپ کرد. در حال تألیف در بندنامه کاظم بیگ هم از نسخ خطی و هم از آثار دانشمندان غرب در باره تاریخ دربند و شروان بهره جست. کاظم بیگ بعد از چاپ این اثر در غرب و شرق شهرت پیدا کرد، چنانکه به خاطر این کار برنده جایزه دمیدوف معتبرترین جایزه علمی روسیه، مدال طلای ملکه انگلیس و نشان شیر و خورشید ایران شد. بعداً جایزه دمیدوف 3 بار نصیب کاظم بیگ شد. در ماه اکتبر سال 1854 بخش زبان های شرقی دانشگاه پترزبورگ به دانشکده تبدیل شد که کاظم بیگ به عنوان اولین رئیس آن منصوب شد. وی در دانشکده رشته های جدید که در اروپا بی نظیر بود، روش های تازه آموزش شرق شناسی را به اجرا گذاشت. میرزا فتحعلی آخوندوف در یکی از نامه های خود در باره کاظم بیگ چنین می گوید: "اما کاظم بیگ را شخصی فاضل و صاحب ذهن و مستحق تکریم می توان شمرد". آخوندوف نسخه ای از الفبای خود را برای کاظم بیگ فرستاده بود تا از نظریات وی بهره ببرد. جلال الدین میرزای قاجار نیز نسخه ای از جلد نخست نامه خسروان خود را برای کاظم بیگ فرستاد. کاظم بیگ آثار زیادی در ایرانشناسی تألیف نموده است. او در شاهنامه پژوهی نیز قلم زده و اساطیر ایرانی شاهنامه وی شهرت جهانی یافته اند. باب و بای ها، ادبیات فارسی پیش از اسلام، حماسه ایرانی و غیره از جمله آثار وی می باشند. پروفسور کاظم بیگ در سال 1870 م. در پترزبورگ از دنیا رفت. به خاطر زحمات وی در توسعه خاورشناسی روسیه وی را پدر خاورشناسی روسیه می خوانند.

در دوره حکومت کمونیست ها در شوروی ایرانشناسان متعددی از داغستان به شهرت رسیدند، مثل کوردی زاکویف، عثمانو و ... اما ما در این مقاله می خواهیم به آقای عثمانوف اشاره کنیم و شرح حال خیلی مختصری را در باره وی بیاوریم. محمدنوری عثمانوویچ عثمانوف در 6 فوریه سال 1924 میلادی در پایتخت داغستان در شهر ماخاچ قلعه به دنیا آمد. در سال 1950 وی تحصیل در دانشگاه دولتی مسکو را به پایان رساند. در سال 1954 دکترای ادبیات را گرفت. از آن زمان عثمانوف در راه سخت ایرانشناسی گامی جدی نهاد تا در 1981 موفق به دریافت رتبه پروفسوری شد. پروفسور عثمانوف در رشته ادبیات ایران چهار اثر تحقیقی و گرانها به رشته تحریر در آورد که در خاورشناسی نوآوری محسوب می شوند و موجب تقریظ های مثبت در اروپا و ایران شدند. این آثار به شرح زیر می باشند:

- 1) شرح حال و تحلیل آثار عمر خیام که در سال 1958 منتشر شد.
- 2) شرح حال و تحلیل آثار فردوسی که در سال 1960 به چاپ رسید.
- 3) سبک شعر فارسی تاجیکی در قرن 9-10 میلادیکه در سال 1974 به چاپ رسید و به مؤلف شهرت جهانی بخشید. در این اثر عثمانوف صور خیال در شعر فارسی سده چهارم هجری را نیز آورده بود.
- 4) پروفسور عثمانوف زمان زیادی در رأس یک گروه مؤلفین در تألیف تاریخ ادبیات فارسی که قرار بود چندجلدی باشد، شرکت می کرد. متأسفانه این کار به دلایل وضع نابسامان کشور به پایان نرسید.

پروفسور عثمانوف در زمینه متن شناسی تحت تأثیر افکار آکادمیک لیخاچف به نظریه متن شناسی شرقی توسعه داد و در این زمینه چند مقاله نوشته است. وی تصحیح انتقادی شاهنامه فردوسی را آماده چاپ کرد. عثمانوف همچنین در زمینه فرهنگ نویسی یک چهارم فرهنگ فارسی روسی توسط این ایرانشناس تدوین گردیده است. این فرهنگ چندین بار در شوروی و ایران به چاپ رسیده بود. همین طور وی اولین فرهنگ بسامدی در تاریخ خاورشناسی جهان را تدوین نمود که عنوان آن فرهنگ بسامدی عنصری می باشد.

عثمانوف به عنوان مترجم کارهای زیادی را انجام داده است. وی سندنامه، بختیارنامه، جواهر الآثار، درر الکلم، قرآن کریم... را به روسی ترجمه کرده است.

صرف نظر از سن خود عثمانوف هنوز نیز پرکار و برای گسترش ایرانشناسی در داغستان فعالیت می کند. از امسال وی به عنوان رئیس کرسی جدید التاسیس ادبیات ایران و ترکیه دانشگاه دولتی داغستان انتخاب شد.

بخش سوم  
ایران شناسی در داغستان بعد از فروپاشی شوروی:  
پس از فروپاشی شوروی ما شاهد رشد ایران شناسی در داغستان می باشیم. این رشد را می توان از سال 1991 م. به خوبی درک کرد. البته نمی توان گفت که زمان شوروی در داغستان در زمینه ایرانشناسی کاری انجام نشده بود چنان که به عنوان مثال در سال 1980 م. سرکار خانم کازلووا در همایشی که در شهر دوشنبه برگزار شد، با مقاله ای به عنوان "زبان فارسی در داغستان" سخنرانی کرد، بلکه کار اساسی انجام نشده بود. کارهایی را که محققین داغستانی انجام داده و آن دسته کارها که در دست تحقیق می باشند می توان به چند رشته تقسیم کرد:

- 1) زبانشناسی. در این زمینه با جرأت می توانیم بگوئیم که تنها جناب آقای افندیف تلاش کرده است. وی تا به امروز جامعترین بررسی کلمات دخیل از زبان های ایرانی در زبان لزگی را انجام داد و اثر خود را با عنوان کلمات مأخوذ ایرانی در زبان لزگی در سال 2000 م. به چاپ رساند. در این اثر پرارزش در مرحله اول عوامل تاریخی کلمات مأخوذ ایرانی و جایگاه آن در زبان لزگی را بررسی کرده است سپس به بررسی مسأله ورود کلمات ایرانی به زبان لزگی، گرفتن معنی و روش به کارگیری آنها را در زبان مذکور

می پردازد. وی در آخر کتاب خود وی واژه نامه کلمات ایرانی دخیل در زبان لزگی را می آورد. وی همین طور فرهنگ کلمات ایرانی در زبان لزگی و فرهنگ کلمات ایرانی در زبان آواری را چاپ کرد. در زمینه تأثیر زبانهای ایرانی به زبان های داغستانی نیز چند مقاله تألیف نمود.

(2) تاریخ. در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران می توان به کتاب پروفیسور حسنوف به عنوان "داغستان و دنیای ایران" اشاره کرد. مؤلف در این کتاب که در واقع مجموعه مقالات وی می باشد و برای دانشجویان دانشکده های تاریخ شناسی دانشگاه ها توصیه می شود، به بررسی چندتا مسأله از تاریخ روابط مردمان داغستان و ایران پرداخته است. این تحقیق را می توان به 4 بخش تقسیم کرد:

(1) روابط داغستانیان با اقوام و دولت های ایرانی قبل از ظهور اسلام.  
(2) تاریخچه "مسکت"، ناحیه ای در جنوب شرقی داغستان.  
(3) تاریخ قوم تات.  
(4) روابط داغستانیان با دولت های ایران بعد از ظهور اسلام.

(3) ادبیات فارسی در داغستان. در این زمینه کاری اساسی صورت نگرفته است و بیشتر مقالات پراکنده ای در نشریات مختلف چاپ شده اند. از جمله کسانی که در این زمینه کار می کنند می توان به دکتر سرکار علیبکوا و نگارنده تشاره کردهستیم.

(4) باستانشناسی. در این زمینه باید به بررسی های کتیبه های دربند اشاره کرد و به خصوص نام پروفیسور حاجیف را ذکر کرد که مشغول بررسی های آثار دربند و نواحی جنوب داغستان می باشد. مقالات پراکنده از ویدر این خصوص به چاپ رسید.

(5) آموزش زبان فارسی. آموزش زبان فارسی در دانشگاه دولتی داغستان از سال 1996 م. به عنوان درس اختیاری برای دانشجویان بخش خاورشناسی دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی داغستان آغاز شد. از سال 2000 م. بعد از تأسیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه مذکور، زبان فارسی به عنوان درس اصلی در آن تدریس می شود. از امسال کرسی مشترک ادبیات ایران و ترک در این دانشکده افتتاح گردید و پس از یک سال قرار است بر اساس برنامه آموزشی کرسی ادبیات ایران به عنوان کرسی مستقل تأسیس شود. در حال حاضر 4 نفر در این کرسی مشغول به تدریس زبان و ادبیات فارسی می باشند.

بخش چهارم چشم انداز گسترش ایران شناسی در داغستان:

با بررسی روابط فرهنگی تاریخی داغستان با ایران و فعالیت ایرانشناسان داغستانی در دوره های مختلف و همین طور آغاز بررسی های پژوهشگران در زمینه ایرانشناسی در داغستان امروز و شروع فعالیت کرسی ادبیات ایران در دانشگاه دولتی داغستان ما می توانیم چشم انداز و مشکلات آینده ایران شناسی را در داغستان ترسیم کنیم و همین طور اهمیت پژوهش های جدید راد این زمینه مشاهده نماییم.

چشم اندازها:

(1) در زمینه زبان شناسی و به خصوص در زمینه تأثیر زبان های ایرانی بر زبان های داغستانی پژوهشگران داغستانی و ایرانی می توانند همکاری نمایند. چنان که دیده می شود در این زمینه کارهایی انجام شده ولی نیاز به بازنگری و گسترش آنها احساس می شود. در این زمینه می توان کارهای گروهی همراه با تبادل نظر های متقابل انجام داد.

(2) در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران طرفین می توانند تبادل اسناد و منابع تاریخی از جمله میکروفیش و میکروفیلم های نسخ خطی بپردازند که نیاز به ارایه فهرست های آن دارد. همین طور می توان تحقیقاتی در زمینه رجال داغستانی در ایران و شخصیت های ایرانی در داغستان که به دلایل مختلف از وطن های خود کوچیدند انجام داد.

(3) در زمینه باستان شناسی متخصصین ایرانی می توانند با انجام مأموریت های علمی به داغستان با همکاری متخصصین داغستانی با آثار باستان شناسی و کتیبه های موجود آشنا شوند.

(4) در زمینه ادبیات فارسی در داغستان محققان ما باید جستجوهای لازم با هدف پیدایش نسخه های جدید را انجام دهند و با کمک های طرف ایرانی آنها را به چاپ برسانند.

(5) در زمینه آموزش زبان فارسی طرفین باید برای تدوین روش های جدیدتر و بهتر آموزش زبان فارسی به توابع داغستان همکاری های نزدیک و هماهنگی های پدیدری داشته باشند. در اینجا می توان به تدوین کتب آموزشی و کمک آموزشی با نظر به خصوصیات زبان شناسی ملل داغستان اشاره کرد.

(6) در زمینه قوم شناسی متخصصین داغستانی و ایرانی می توانند در باره اقوام ایرانی داغستان مثل تات تحقیق کنند.  
(7) در زمینه دین شناسی می توان درباره علل ورود تشیع به داغستان، مراسم شیعیان داغستان و همین طور تأثیر سلسله های صوفیان

ایران به رشد تصوف در داغستان با همکاری متخصصین ایرانی تحقیق کرد.  
(8) در زمینه فرهنگ شناسی محققین ایران و داغستان باید به تأثیر متقابل ملت هابه فرهنگ و آداب یکدیگر توجه کنند. به عنوان مثال

می توان به آداب نوروژ و بکارگیری آلات موسیقی مشابه اشاره کرد.

تمام این کارها نیازمند همکاری های تنگاتنگ و متمادی محافل علمی دانشگاهی طرفین می باشد. در راستای این تحقیقات باید همایش ها و میزگردهای علمی، تبادل اطلاعات و تجربه انجام شود عقد قرارداد همکاری میان دانشگاه دولتی داغستان و رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران و متعاقب آن تأسیس مرکز ایرانشناسی در دانشگاه دولتی داغستان که در اوایل سال 2005 م. صورت گرفت.

نقطه عطفی در تحقق ایده های فوق محسوب می شود. این مرکز می تواند با همکاری با مؤسسات مربوط جمهوری در ایران از تمام تحقیقات در زمینه های مذکور حمایت های لازم را به عمل آورد و تجهیزات لازم را در اختیار آنان بگذارد.

مشکلات

مشکلات زیادی در این راه وجود دارند: از نبود امکانات اولیه برای تدریس زبان فارسی در داغستان تا عدم حمایت های مالی از تحقیقات صورت گرفته و عدم اطلاعات مردمان دو کشور از روابط دیرین یکدیگر. ولی به نظر می رسد که با تعامل و همکاری این

مشکلات با مرور زمان قابل حل می باشند.

ایران شناسی در داغستان هر چند در سطح ابتدایی خود می باشد ولی امید می رود مثل روابط تاریخی دو دیار محکم و پایدار باشد.

پایان پیام.